

مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت؛ مطالعه‌ای بر مبنای فقه امامیه و حقوق عمومی ایران

روح الله بور بور

کارشناسی حقوق و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی

m.dadsetan92@yahoo.com

چکیده

کاهش نرخ باروری و حرکت تدریجی ساختار جمعیتی ایران به سوی سالمندی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود. این تحول جمعیتی، علاوه بر آثار اقتصادی، پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های امنیت ملی، نظام رفاه اجتماعی، بازار کار و توسعه پایدار به همراه دارد. در پاسخ به این وضعیت، سیاست‌های کلی جمعیت از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ ابلاغ و متعاقب آن، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. با وجود این، تحقق اهداف قانون مستلزم ایفای مسئولیت‌های گسترده دولت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت را از منظر فقه امامیه و حقوق عمومی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت دولت صرفاً ناشی از قانون عادی نیست، بلکه بر مبنای مستحکم فقهی همچون قاعده لاضرر، قاعده نفی عسر و حرج، اصل حفظ نظام، قاعده مصلحت و اصل ولایت حاکم اسلامی استوار است. همچنین اصول سوم، دهم، بیستم، بیست و یکم، بیست و نهم و چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را مکلف به حمایت از خانواده، رفع موانع اقتصادی ازدواج و فرزندآوری و تأمین رفاه عمومی کرده‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش موجود، نه کمبود قوانین، بلکه ضعف در اجرای مؤثر آنها، فقدان ضمانت اجرای کارآمد و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی است.

واژگان کلیدی: جوانی جمعیت، مسئولیت دولت، فقه امامیه، حقوق عمومی، خانواده، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت.

مقدمه

جمعیت، مهم‌ترین سرمایه انسانی هر کشور و یکی از شاخص‌های بنیادین قدرت ملی محسوب می‌شود. بسیاری از اندیشمندان توسعه، نیروی انسانی را اصلی‌ترین عامل پیشرفت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورها دانسته‌اند. در مقابل، کاهش نرخ باروری و افزایش نسبت سالمندان، موجب کاهش نیروی کار، افزایش هزینه‌های رفاهی، بحران صندوق‌های بازنشستگی و کاهش پویایی اقتصادی خواهد شد (عظیمی، ۱۳۹۸، ص. ۴۵).

جمهوری اسلامی ایران نیز طی سه دهه اخیر با کاهش محسوس نرخ باروری مواجه شده است؛ به نحوی که نرخ باروری کل از بیش از ۶ فرزند برای هر زن در دهه ۱۳۶۰ به کمتر از سطح جانشینی جمعیت (حدود ۱/۲ فرزند) رسیده است. استمرار این روند، کشور را در آینده نزدیک با پدیده سالمندی جمعیت مواجه خواهد کرد؛ پدیده‌ای که آثار آن صرفاً محدود به مسائل جمعیتی نبوده، بلکه امنیت اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). با توجه به این شرایط، مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ سیاست‌های کلی جمعیت را در اجرای بند نخست اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ کردند. در این سیاست‌ها، افزایش نرخ باروری، تحکیم بنیان خانواده، رفع موانع ازدواج و حمایت از مادران، از مهم‌ترین وظایف قوای سه‌گانه معرفی شده است (سیاست‌های کلی جمعیت، ۱۳۹۳). در ادامه نیز قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسید تا سازوکارهای اجرایی لازم برای تحقق این سیاست‌ها فراهم شود.

با وجود تصویب این قانون، همچنان بسیاری از اهداف آن محقق نشده است. بررسی گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که بخش مهمی از احکام قانونی به دلیل مشکلات بودجه‌ای، ضعف هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، نبود ضمانت اجراهای کافی و برخی تعارض‌های قانونی، به مرحله اجرا نرسیده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲).

در این میان، پرسش بنیادین آن است که مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت صرفاً ناشی از قانون عادی است یا ریشه در مبانی فقهی و اصول حقوق عمومی نیز دارد؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم بررسی هم‌زمان مبانی فقه امامیه، اصول قانون اساسی و قواعد حقوق عمومی است؛ زیرا نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر آموزه‌های فقه اسلامی و اصل حاکمیت قانون شکل گرفته است.

در فقه امامیه، حکومت اسلامی صرفاً نهادی برای حفظ نظم عمومی نیست، بلکه مسئول تحقق عدالت، رفع فقر، حمایت از خانواده، تأمین مصالح عمومی و جلوگیری از ورود ضرر به جامعه است. بر همین اساس، قواعدی همچون **قاعده لاضرر**، **قاعده نفی عسر و حرج**، **قاعده مصلحت** و **اصل حفظ نظام**، مسئولیت گسترده‌ای را برای حکومت در حمایت از نهاد خانواده ایجاد می‌کنند (امام خمینی، ۱۴۲۱ق؛ نجفی، ۱۴۰۴ق).

از سوی دیگر، حقوق عمومی نیز دولت را متولی تأمین منافع عمومی و تضمین حقوق اساسی شهروندان می‌داند. خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی شناخته شده و دولت مکلف شده است تمامی امکانات خود را برای استحکام این نهاد و حمایت از مادران و فرزندان به کار گیرد (اصول ۱۰، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی).

بر این اساس، تحلیل مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت، صرفاً بررسی یک قانون عادی نیست، بلکه مطالعه‌ای درباره حدود وظایف حاکمیت در پرتو مبانی فقهی و حقوق عمومی است؛ امری که می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کارآمدی سیاست‌های جمعیتی و رفع خلأهای تقنینی و اجرایی داشته باشد.

۱. بیان مسئله

کاهش نرخ باروری و تغییر ساختار جمعیتی کشور، امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. بر اساس آمارهای رسمی، ایران طی دو دهه گذشته از مرحله «پنجره جمعیتی» به سمت سالمندی جمعیت حرکت کرده است؛ روندی که در صورت استمرار، آثار عمیقی بر اقتصاد، امنیت اجتماعی، نظام سلامت و توسعه پایدار خواهد داشت (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲).

در واکنش به این وضعیت، قانون‌گذار با تصویب **قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت** تلاش کرده است از طریق پیش‌بینی مشوق‌های اقتصادی، تسهیلات مسکن، حمایت از مادران، توسعه خدمات درمان ناباروری و اصلاح برخی سیاست‌های اداری، زمینه افزایش نرخ باروری را فراهم سازد. با وجود این، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی نشان می‌دهد که بسیاری از احکام این قانون یا اجرا نشده یا اجرای آن با موانع جدی مواجه است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲). در ادبیات حقوقی موجود، اغلب پژوهش‌ها بر جنبه‌های اقتصادی، جمعیت‌شناختی یا مدیریتی سیاست‌های جمعیتی متمرکز بوده‌اند، در حالی که بررسی مبانی **فقهی و حقوق عمومی مسئولیت دولت** در این حوزه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ پژوهشی سبب شده است که حدود تکالیف دولت، ضمانت اجراهای ناشی از ترک فعل دستگاه‌های اجرایی و نسبت میان مبانی فقهی و الزامات حقوق عمومی به‌طور جامع تبیین نشود.

از این‌رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت بر چه مبانی فقهی و حقوقی استوار است و آیا ابزارهای حقوقی موجود برای الزام دولت به اجرای مؤثر این سیاست‌ها کافی است یا نیازمند اصلاح و تقویت است؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند ضمن تبیین جایگاه دولت در حمایت از خانواده و فرزندآوری، راهکارهایی برای ارتقای کارآمدی نظام حقوقی و اجرایی کشور ارائه دهد.

۲. اهداف پژوهش

هدف اصلی

تبیین مبانی فقهی و حقوق عمومی مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت و ارزیابی میزان انطباق قوانین و عملکرد دستگاه‌های اجرایی با این مبانی.

اهداف فرعی

۱. تبیین مبانی فقه امامیه در خصوص مسئولیت حکومت اسلامی نسبت به حمایت از خانواده و فرزندآوری.
۲. تحلیل اصول قانون اساسی مرتبط با تکالیف دولت در حوزه جوانی جمعیت.
۳. بررسی ظرفیت‌های قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در تحقق اهداف جمعیتی.
۴. شناسایی مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و اجرایی اجرای قانون.
۵. ارائه راهکارهای حقوقی و تقنینی برای افزایش کارآمدی سیاست‌های جمعیتی.

۳. سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت بر چه مبانی فقهی و حقوقی استوار است؟

سؤالات فرعی

۱. قواعد فقه امامیه چه تکالیفی را بر عهده حکومت اسلامی در حمایت از خانواده و فرزندآوری قرار می‌دهد؟
 ۲. اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه الزامات حقوقی برای دولت در حوزه سیاست‌های جمعیتی ایجاد کرده‌اند؟
 ۳. آیا قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از ضمانت اجراهای کافی برای الزام دستگاه‌های اجرایی برخوردار است؟
 ۴. مهم‌ترین موانع حقوقی اجرای سیاست‌های جوانی جمعیت کدام‌اند؟
- ### ۴. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت، علاوه بر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، بر مبنای الزام‌آور فقه امامیه و اصول حقوق عمومی استوار است و از این رو، دولت مکلف به اتخاذ و اجرای سیاست‌های مؤثر در حمایت از خانواده و فرزندآوری است.

فرضیه‌های فرعی

- قواعدی همچون لاضرر، نفی عسر و حرج، مصلحت عمومی و حفظ نظام، مبنای فقهی مسئولیت دولت در حمایت از خانواده محسوب می‌شوند.
- اصول سوم، دهم، بیستم، بیست و یکم، بیست و نهم و چهل و سوم قانون اساسی، تکالیف مشخصی را برای دولت در زمینه حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ایجاد کرده‌اند.
- مهم‌ترین مانع تحقق اهداف قانون، ضعف ضمانت اجراهای حقوقی و نبود نظام نظارتی مؤثر بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی است.

۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع فقهی، قوانین، اسناد بالادستی، آرای حقوقدانان و مقالات علمی گردآوری شده است. در بخش فقهی، قواعد و اصول مرتبط با مسئولیت حکومت از منابع معتبر فقه امامیه مانند *تحریر الوسیله*، *جواهر الکلام*، *المکاسب*، *وسائل الشیعه* و آثار فقه‌های معاصر استخراج و تحلیل شده است. در بخش حقوقی نیز اصول قانون اساسی، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سیاست‌های کلی جمعیت و سایر قوانین مرتبط مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل کیفی مبتنی بر استنباط حقوقی و فقهی است؛ به نحوی که ضمن تبیین مبانی نظری، میزان انطباق قوانین و عملکرد اجرایی با این مبانی نیز ارزیابی می‌شود.

۶. مبانی فقهی مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت

۶-۱. مفهوم مسئولیت دولت در فقه امامیه

در فقه امامیه، حکومت صرفاً نهادی برای اعمال اقتدار سیاسی نیست، بلکه نهادی شرعی برای تحقق عدالت، حفظ نظم عمومی، تأمین مصالح جامعه و صیانت از حقوق مردم محسوب می‌شود. بر همین اساس، مسئولیت دولت در نظام اسلامی تنها به اجرای قوانین محدود نمی‌شود، بلکه شامل هر اقدامی است که برای حفظ مصالح عمومی و جلوگیری از ورود آسیب به جامعه ضرورت

داشته باشد. این دیدگاه، ریشه در نظریه ولایت حاکم اسلامی دارد که بر اساس آن، حکومت در چارچوب احکام شرع و مصالح عمومی، مکلف به اداره جامعه و رفع نیازهای اساسی مردم است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۲).
فقه‌های امامیه معتقدند که «حفظ نظام» از مهم‌ترین واجبات شرعی است و بسیاری از احکام حکومتی بر همین مبنا استوار می‌شود. محقق نراقی در *عوائد الایام* تصریح می‌کند که ولایت فقیه در عصر غیبت، برای اداره امور جامعه و تحقق مصالح عمومی تشریع شده است (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸۷). همچنین صاحب *جوهر الکلام* حکومت را مسئول اجرای عدالت، حمایت از حقوق عمومی و جلوگیری از اختلال در نظام اجتماعی می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۹۶).
از این منظر، حمایت از خانواده، تسهیل ازدواج، رفع موانع فرزندآوری و جلوگیری از بحران جمعیتی، صرفاً سیاست‌هایی اداری نیستند، بلکه در زمره وظایف ذاتی حکومت اسلامی قرار می‌گیرند؛ زیرا بقای جامعه اسلامی و استمرار نسل مسلمانان، از مصادیق روشن حفظ نظام و تأمین مصالح عمومی است.

۲-۶. قاعده حفظ نظام؛ مهم‌ترین مبنای فقهی سیاست‌های جمعیتی

قاعده «حفظ نظام» یکی از بنیادی‌ترین قواعد فقه حکومتی است. فقه‌های امامیه اتفاق نظر دارند که هر امری که بقای جامعه اسلامی و جلوگیری از فروپاشی نظم عمومی به آن وابسته باشد، واجب است و حکومت مکلف به تحقق آن است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۹۶).
کاهش مستمر جمعیت و حرکت به سوی سالمندی، آثار گسترده‌ای بر امنیت ملی، اقتصاد، توان دفاعی و رفاه اجتماعی دارد. از این رو، حمایت از سیاست‌های جوانی جمعیت را می‌توان از مصادیق حفظ نظام دانست. هرگاه کاهش جمعیت، توان جامعه اسلامی را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی یا امنیتی تهدید کند، حکومت نه تنها مجاز، بلکه مکلف به اتخاذ سیاست‌های اصلاحی خواهد بود.

این برداشت با بندهای سیاست‌های کلی جمعیت نیز هم‌سو است؛ زیرا در این سیاست‌ها، جوانی جمعیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتدار ملی معرفی شده است. بنابراین، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را می‌توان تجلی تقنینی یکی از الزامات ناشی از قاعده حفظ نظام دانست.

۳-۶. قاعده لاضرر و مسئولیت دولت در رفع موانع فرزندآوری

یکی دیگر از مبانی مهم مسئولیت دولت، قاعده مشهور «لاضرر و لاإضرار فی الإسلام» است که مستند آن، روایت نبوی نقل‌شده در منابع معتبر شیعه از جمله *وسائل الشیعه* است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۴۳۱).
مفهوم این قاعده آن است که هیچ حکم یا رفتاری نباید موجب ورود ضرر ناروا به اشخاص یا جامعه شود. فقه‌های امامیه این قاعده را یکی از مهم‌ترین مبانی جلوگیری از زیان‌های اجتماعی دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۱۸).
در حوزه جوانی جمعیت، بسیاری از موانع فرزندآوری، مانند مشکلات اقتصادی، نبود امنیت شغلی، هزینه‌های سنگین درمان ناباروری، کمبود مسکن و ضعف حمایت‌های اجتماعی، مصادیقی از ضررهای اجتماعی هستند که رفع آن‌ها در حدود امکانات و وظایف قانونی، بر عهده دولت قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، اگر ترک فعل یا بی‌توجهی نهادهای عمومی به گونه‌ای باشد که تحقق حق تشکیل خانواده و فرزندآوری را با دشواری جدی مواجه سازد، می‌توان آن را از منظر قاعده لاضرر قابل نقد دانست. البته باید توجه داشت که قاعده لاضرر به‌تنهایی دولت را موظف به تأمین نامحدود همه نیازهای اقتصادی نمی‌کند، بلکه در چارچوب امکانات عمومی و مصالح جامعه، دولت را مکلف به کاهش موانع و جلوگیری از تحمیل ضررهای غیرمتعارف می‌داند.

۴-۶. قاعده نفی عسر و حرج و حمایت از خانواده

قاعده نفی عسر و حرج، از آیه شریفه **وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ** (حج: ۷۸) و همچنین آیه **يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ** (بقره: ۱۸۵) استنباط شده و از قواعد مسلم فقه امامیه به شمار می‌رود.

بر اساس این قاعده، شارع مقدس احکامی را که موجب مشقت شدید و غیرمعتارف برای مکلفان باشد، نفی کرده است. فقها دامنه این قاعده را به حوزه اداره جامعه نیز تسری داده‌اند و معتقدند حکومت اسلامی باید در حد امکان، زمینه کاهش سختی‌های غیرمعتارف مردم را فراهم آورد (مکارم شیرازی، *القواعد/الفقهیه*، ج ۱، ص ۲۶۵).

در حوزه سیاست‌های جمعیتی، هزینه‌های سنگین ازدواج، دشواری تأمین مسکن، مشکلات اشتغال جوانان و هزینه‌های درمان ناباروری از مهم‌ترین عوامل ایجاد عسر و حرج برای خانواده‌ها محسوب می‌شوند. بنابراین، پیش‌بینی تسهیلات بانکی، حمایت‌های بیمه‌ای، مرخصی زایمان، حمایت از مادران شاغل و پوشش درمان ناباروری را می‌توان از مصادیق اجرای این قاعده در عرصه حکمرانی دانست.

۵-۶. قاعده مصلحت عمومی و اختیارات حکومت

یکی از مهم‌ترین مبانی فقه حکومتی، توجه به «مصلحت عمومی» است. هرچند در فقه امامیه، مصلحت باید در چارچوب شریعت تعریف شود، اما فقهای معاصر بر این باورند که حکومت اسلامی در اداره جامعه می‌تواند بر اساس مصالح عمومی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری کند، مشروط بر آنکه با احکام قطعی شرع تعارض نداشته باشد (امام خمینی، *صحیفه/امام*، ج ۲۰، ص ۴۵۲).

از این منظر، سیاست‌های تشویقی برای فرزندآوری، توسعه خدمات رفاهی، اعطای تسهیلات مسکن، حمایت از اشتغال والدین و ایجاد مشوق‌های مالی، همگی در صورتی که در جهت تأمین منافع عمومی جامعه باشند، دارای پشتوانه فقهی خواهند بود. در واقع، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را می‌توان نمونه‌ای از اعمال اختیارات حکومت اسلامی در چارچوب مصلحت عمومی دانست؛ زیرا هدف آن، حفظ پویایی جمعیت، تقویت بنیان خانواده و جلوگیری از پیامدهای منفی سالمندی جمعیت است.

۷. مبانی حقوق عمومی مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت

۷-۱. جایگاه دولت در حقوق عمومی ایران

حقوق عمومی، شاخه‌ای از علم حقوق است که به تنظیم روابط دولت با شهروندان، تعیین حدود اختیارات و مسئولیت‌های نهادهای عمومی و تضمین منافع عمومی می‌پردازد. در این چارچوب، دولت صرفاً نهادی برای اعمال اقتدار سیاسی نیست، بلکه مکلف به تأمین حقوق بنیادین شهروندان و تحقق عدالت اجتماعی است (هاشمی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۳-۲۷).

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، دولت علاوه بر وظایف کلاسیک مانند حفظ نظم و امنیت، مسئول تحقق عدالت، رفع تبعیض، حمایت از خانواده، تأمین رفاه عمومی و ایجاد زمینه‌های رشد انسان نیز شناخته شده است. این رویکرد، دولت را به سمت الگوی «دولت اجتماعی» یا «دولت رفاه» سوق می‌دهد؛ الگویی که در آن، سیاست‌های جمعیتی نیز بخشی از مسئولیت‌های عمومی دولت محسوب می‌شوند.

از این منظر، حمایت از ازدواج، فرزندآوری، درمان ناباروری، اشتغال والدین، تأمین مسکن خانواده‌ها و حمایت از مادران، صرفاً امتیازاتی اداری نیستند، بلکه از وظایف حاکمیتی دولت در راستای تحقق منافع عمومی و توسعه پایدار به شمار می‌آیند.

۷-۲. اصل سوم قانون اساسی و تکلیف دولت به ایجاد زمینه‌های رفاه عمومی

اصل سوم قانون اساسی یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی مسئولیت دولت در حوزه سیاست‌های جمعیتی است. این اصل، دولت را موظف می‌کند همه امکانات خود را برای تحقق اهدافی مانند رفع تبعیض، ایجاد امنیت اقتصادی، تأمین رفاه، توسعه آموزش، مشارکت عمومی و حمایت از خانواده به کار گیرد.

بندهای ۹ و ۱۲ اصل سوم، بر رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد نظام اداری صحیح تأکید دارند؛ امری که در اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر حمایت‌های پیش‌بینی شده در قانون به‌صورت نابرابر یا سلیقه‌ای اجرا شود، با روح این اصل ناسازگار خواهد بود.

از منظر حقوق عمومی، اصل سوم یک «اصل برنامه‌ای» است؛ یعنی دولت مکلف است در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، همواره تحقق اهداف آن را مدنظر قرار دهد. بنابراین، اجرای مؤثر سیاست‌های جوانی جمعیت را می‌توان یکی از مصادیق اجرای این اصل دانست.

۷-۳. اصل دهم قانون اساسی؛ خانواده به‌عنوان بنیاد جامعه

اصل دهم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

از آنجا که خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

این اصل، یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی سیاست‌های جمعیتی محسوب می‌شود؛ زیرا قانون‌گذار اساسی، خانواده را محور سیاست‌گذاری عمومی قرار داده است. برخلاف بسیاری از نظام‌های حقوقی که خانواده را صرفاً نهادی خصوصی تلقی می‌کنند، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را نهادی با کارکرد عمومی و اجتماعی می‌داند.

از این اصل، چند تکلیف مهم برای دولت قابل استخراج است:

- تسهیل ازدواج و کاهش موانع اقتصادی آن.
 - حمایت از پایداری خانواده.
 - ایجاد بسترهای مناسب برای فرزندآوری.
 - پرهیز از تصویب یا اجرای مقرراتی که موجب تضعیف خانواده شود.
- از این رو، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را می‌توان در راستای اجرای اصل دهم قانون اساسی تحلیل کرد.

۷-۴. اصل بیست و یکم قانون اساسی و حمایت از زنان و مادران

اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت را موظف می‌کند حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و به‌ویژه از مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، حمایت نماید.

این اصل، مبنای حقوقی بسیاری از احکام قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، از جمله مرخصی زایمان، حمایت‌های بیمه‌ای، خدمات درمان ناباروری و حمایت از مادران شاغل است.

در حقوق عمومی، حمایت از مادران صرفاً یک اقدام حمایتی نیست، بلکه سرمایه‌گذاری اجتماعی برای حفظ پویایی جمعیت و تأمین منافع عمومی تلقی می‌شود. از این منظر، هرگونه کاستی در اجرای حمایت‌های مقرر برای مادران، می‌تواند به کاهش اثربخشی سیاست‌های جمعیتی منجر شود.

۷-۵. اصل بیست و نهم قانون اساسی و حق بر تأمین اجتماعی

اصل بیست و نهم قانون اساسی، برخورداری از تأمین اجتماعی را حق همگانی می‌داند و دولت را مکلف می‌کند خدمات بیمه‌ای، درمانی و حمایتی را برای همه شهروندان فراهم کند. در حوزه جوانی جمعیت، این اصل از چند جهت اهمیت دارد:

- تأمین هزینه‌های درمان ناباروری.
- پوشش بیمه‌ای خدمات مرتبط با بارداری و زایمان.
- حمایت از کودکان و خانواده‌های دارای فرزند.
- کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از فرزندآوری.

بنابراین، اجرای سیاست‌های جمعیتی بدون تقویت نظام تأمین اجتماعی، با الزامات قانون اساسی هم‌خوانی نخواهد داشت.

۷-۶. اصل چهل و سوم قانون اساسی و عدالت اقتصادی

اصل چهل و سوم قانون اساسی، دولت را موظف به تأمین نیازهای اساسی مردم، از جمله مسکن، اشتغال، خوراک، پوشاک، آموزش و بهداشت می‌کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش تمایل به فرزندآوری، مشکلات اقتصادی، بیکاری، گرانی مسکن و نااطمینانی نسبت به آینده است. از این‌رو، تحقق اهداف قانون جوانی جمعیت بدون اجرای مؤثر اصل چهل و سوم امکان‌پذیر نیست. به بیان دیگر، سیاست‌های جمعیتی زمانی موفق خواهند بود که در کنار مشوق‌های مستقیم، سیاست‌های کلان اقتصادی نیز در جهت کاهش هزینه‌های تشکیل و اداره خانواده حرکت کنند.

۷-۷. مسئولیت دولت از منظر حقوق عمومی؛ از تعهد منفی تا تعهد مثبت

در نظریه‌های نوین حقوق عمومی، مسئولیت دولت تنها به خودداری از نقض حقوق شهروندان محدود نمی‌شود، بلکه دولت دارای «تعهدات مثبت» نیز هست؛ یعنی باید با اقدامات تقنینی، اجرایی و حمایتی، زمینه بهره‌مندی شهروندان از حقوق اساسی را فراهم آورد.

در حوزه جوانی جمعیت، تعهدات مثبت دولت شامل مواردی همچون:

- وضع قوانین حمایتی.
- تخصیص منابع مالی کافی.
- ایجاد نظام نظارتی مؤثر.
- هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی.
- ارزیابی مستمر اجرای سیاست‌ها.

است. در نتیجه، اگر دولت از انجام این اقدامات خودداری کند یا در اجرای آنها قصور ورزد، از منظر حقوق عمومی می‌توان از «ترک فعل حاکمیتی» سخن گفت؛ مفهومی که در سال‌های اخیر در ادبیات حقوق اداری ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۸. تحلیل حقوقی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از منظر فقه امامیه و حقوق عمومی**۸-۱. فلسفه تقنین قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت**

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰، مهم‌ترین سند تقنینی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست‌های جمعیتی است که با هدف جلوگیری از کاهش نرخ باروری، حمایت از نهاد خانواده و مدیریت پیامدهای سالمندی جمعیت به تصویب رسید. تصویب این قانون را باید در چارچوب اجرای سیاست‌های کلی جمعیت و تحقق تکالیف ناشی از قانون اساسی تحلیل کرد.

از منظر حقوق عمومی، قانون‌گذار با تصویب این قانون، درصدد ایفای تعهدات مثبت دولت در قبال حقوق اجتماعی شهروندان بوده است؛ تعهداتی که شامل تسهیل ازدواج، حمایت از مادران، کاهش هزینه‌های فرزندآوری و ایجاد امنیت اقتصادی برای خانواده‌ها می‌شود. از منظر فقه امامیه نیز، این قانون را می‌توان در راستای تحقق مقاصد همچون حفظ نسل، تحکیم خانواده و تأمین مصلحت عمومی ارزیابی کرد.

بنابراین، فلسفه این قانون تنها افزایش کمی جمعیت نیست، بلکه تقویت بنیان خانواده و ایجاد شرایط مناسب برای رشد متوازن جامعه است.

۸-۲. تحلیل مهم‌ترین حمایت‌های پیش‌بینی شده در قانون**الف) حمایت‌های اقتصادی**

یکی از مهم‌ترین محورهای قانون، پیش‌بینی حمایت‌های اقتصادی از خانواده‌ها است. اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج، وام فرزندآوری، اولویت در واگذاری زمین یا مسکن، معافیت‌های مالیاتی و برخی حمایت‌های بیمه‌ای از جمله مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی قانون هستند.

از منظر حقوق عمومی، این حمایت‌ها در راستای تحقق اصول ۳، ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی قرار دارند؛ زیرا قانون اساسی، دولت را مکلف به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تأمین حداقل‌های رفاهی کرده است.

از منظر فقهی نیز، این حمایت‌ها با قواعد رفع عسر و حرج و لاضرر سازگار هستند؛ زیرا بخشی از موانع اقتصادی فرزندآوری را کاهش می‌دهند. البته باید توجه داشت که کارآمدی این حمایت‌ها به کفایت منابع مالی، ثبات اقتصادی و اجرای صحیح آن‌ها وابسته است.

ب) حمایت از مادران

قانون، حمایت از مادران را یکی از ارکان اصلی سیاست‌های جمعیتی قرار داده است. افزایش مرخصی زایمان، حمایت از اشتغال زنان، توسعه خدمات درمانی دوران بارداری و زایمان و حمایت از مادران دارای چند فرزند، از جمله این اقدامات است.

این سیاست‌ها با اصل ۲۱ قانون اساسی و همچنین آموزه‌های فقه امامیه درباره تکریم مقام مادری همسو هستند. در فقه اسلامی، خانواده و مادری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و حکومت مکلف است شرایطی فراهم کند که ایفای این نقش با مشقت غیرمتعارف همراه نباشد.

با این حال، بررسی‌های میدانی و گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که اجرای برخی از این حمایت‌ها در دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی با مشکلاتی مواجه بوده و گاه به دلیل محدودیت‌های مالی یا نبود ضمانت اجرای کافی، به‌طور کامل اجرا نشده است.

ج) حمایت از درمان ناباروری

یکی از نوآوری‌های قانون، توسعه حمایت‌های بیمه‌ای و درمانی برای زوج‌های نابارور است. از دیدگاه فقه امامیه، درمان بیماری‌ها از جمله ناباروری نه تنها مجاز، بلکه در بسیاری از موارد اقدامی مطلوب و مورد تأکید است، مشروط بر آنکه موازین شرعی رعایت شود. از منظر حقوق عمومی نیز، دسترسی عادلانه به خدمات درمانی، بخشی از حق بر سلامت و تأمین اجتماعی است که در اصل ۲۹ قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. بدین ترتیب، حمایت از درمان ناباروری را می‌توان یکی از موفق‌ترین بخش‌های قانون دانست؛ هرچند توسعه مراکز تخصصی، تأمین بودجه پایدار و توزیع عادلانه خدمات در سراسر کشور همچنان از چالش‌های اجرایی مهم به شمار می‌رود.

۳-۸. چالش‌های حقوقی اجرای قانون

اگرچه قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از حیث تنوع حمایت‌ها نسبتاً جامع است، اما در مرحله اجرا با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از:

۱. ضعف ضمانت اجرا

بخش قابل توجهی از تکالیف مقرر در قانون، فاقد ضمانت اجرای مؤثر است. در بسیاری از موارد، برای دستگاه‌هایی که از اجرای تکالیف قانونی خودداری می‌کنند، ضمانت اجرای مشخص و بازدارنده‌ای پیش‌بینی نشده است. این امر موجب شده است که برخی از احکام قانون، در عمل به‌طور کامل اجرا نشوند.

۲. پراکندگی مسئولیت‌ها

اجرای قانون مستلزم همکاری وزارت بهداشت، وزارت راه و شهرسازی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان تأمین اجتماعی، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌ها است. تعدد نهادهای مسئول، بدون وجود یک سازوکار هماهنگ‌کننده قوی، موجب کاهش کارایی اجرای قانون شده است.

۳. وابستگی اجرای قانون به منابع مالی

بخش مهمی از احکام قانون نیازمند تخصیص اعتبارات قابل توجه است. در شرایط محدودیت‌های بودجه‌ای، اجرای کامل این تعهدات با دشواری روبه‌رو می‌شود و این مسئله می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی نسبت به سیاست‌های حمایتی بینجامد.

۴. نبود نظام ارزیابی عملکرد

یکی از کاستی‌های قانون، فقدان شاخص‌های روشن برای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی است. اگرچه تکالیف متعددی برای نهادهای مختلف پیش‌بینی شده، اما سازوکار مشخصی برای سنجش میزان تحقق این تکالیف و پاسخ‌گویی مدیران وجود ندارد.

۴-۸. تحلیل انتقادی

از منظر نگارندگان، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از حیث مبانی تقنینی، یکی از جامع‌ترین قوانین اجتماعی سال‌های اخیر است؛ زیرا میان سیاست‌های اقتصادی، درمانی، فرهنگی و اداری ارتباط برقرار کرده است. با این حال، موفقیت هر قانون اجتماعی وابسته به سه رکن اساسی است:

۱. تأمین منابع مالی پایدار؛

۲. وجود ضمانت اجرای مؤثر؛

۳. نظارت مستمر بر حسن اجرای قانون.

در فقدان این سه رکن، حتی قوانین دارای پشتوانه‌های فقهی و حقوقی نیز ممکن است به اهداف پیش‌بینی‌شده دست نیابند. از این‌رو، ضروری است قانون‌گذار با اصلاح مقررات موجود، ضمانت اجرای مؤثرتر، نظام ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها و سازوکارهای پاسخ‌گویی مدیران را تقویت کند.

۹. چالش‌های حقوقی و اجرایی تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت و راهکارهای برون‌رفت

هرچند تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت گامی مهم در اصلاح سیاست‌های جمعیتی کشور به شمار می‌آید، اما تجربه نظام‌های حقوقی نشان می‌دهد که موفقیت یک قانون اجتماعی صرفاً به کیفیت تقنین وابسته نیست، بلکه به نحوه اجرا، نظارت و پاسخ‌گویی دستگاه‌های مسئول نیز بستگی دارد. در واقع، فاصله میان «قانون مطلوب» و «اجرای مطلوب قانون» یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق عمومی معاصر است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۹).

در حقوق عمومی، اصل حاکمیت قانون اقتضا می‌کند که همه نهادهای عمومی، فارغ از محدودیت‌های اداری یا سلیقه‌های مدیریتی، در چارچوب قانون عمل کنند. بنابراین، عدم اجرای تکالیف مقرر در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، صرفاً یک ضعف مدیریتی نیست، بلکه می‌تواند به‌عنوان نقض تکالیف قانونی دولت مورد تحلیل قرار گیرد.

۹-۱. چالش نخست: نبود ضمانت اجرای مؤثر برای تکالیف دستگاه‌های اجرایی

یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف قانون، فقدان ضمانت اجرای کافی در قبال ترک فعل یا تأخیر در اجرای تکالیف قانونی است. اگرچه قانون برای وزارتخانه‌ها، بانک‌ها، سازمان‌های بیمه‌گر، وزارت راه و شهرسازی و سایر نهادهای عمومی وظایف متعددی تعیین کرده است، اما در بسیاری از موارد، سازوکار مشخصی برای پاسخ‌گو کردن مدیران در صورت عدم اجرای قانون پیش‌بینی نشده است.

از منظر حقوق عمومی، تکلیف قانونی زمانی مؤثر خواهد بود که همراه با ضمانت اجرای روشن، نظام نظارتی و مسئولیت‌پذیری مدیران باشد. اصل پاسخ‌گویی اداری اقتضا می‌کند که مدیران دستگاه‌های اجرایی نسبت به اجرای قوانین مصوب مسئول باشند و در صورت استنکاف یا قصور، با ضمانت اجرای اداری، مالی یا انتظامی مواجه شوند.

تحلیل فقهی

در فقه امامیه نیز، حاکم اسلامی در برابر حقوق عمومی مسئول است و هرگونه کوتاهی در انجام وظایف حکومتی، در صورت ورود ضرر به جامعه، قابل مؤاخذه است. فقها با استناد به اصل امانت و مسئولیت حاکم، حکومت را نسبت به حسن اداره امور جامعه پاسخ‌گو می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص. ۳۹۸).

۹-۲. چالش دوم: تعارض میان سیاست‌های اقتصادی و سیاست‌های جمعیتی

یکی از موانع مهم اجرای قانون، ناهماهنگی میان سیاست‌های اقتصادی و اهداف جمعیتی است. افزایش هزینه‌های مسکن، تورم، نااطمینانی شغلی، کاهش قدرت خرید و دشواری تأمین هزینه‌های تربیت فرزند، تصمیم خانواده‌ها برای فرزندآوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از منظر حقوق عمومی، سیاست‌های جمعیتی نمی‌توانند مستقل از سیاست‌های اقتصادی طراحی شوند. دولت مکلف است میان سیاست‌های مالی، بودجه‌ای، اشتغال، مسکن و حمایت اجتماعی هماهنگی ایجاد کند. در غیر این صورت، مشوق‌های محدود مالی تأثیر پایدار نخواهند داشت.

تحلیل فقهی

قاعده نفی عسر و حرج و قاعده لاضرر اقتضا می‌کند که حکومت تا حد امکان، شرایطی فراهم کند که تشکیل خانواده و فرزندآوری با مشقت غیرمتعارف همراه نباشد. البته این قواعد، دولت را به تحقق نتایج اقتصادی خاص ملزم نمی‌کنند، بلکه بر ضرورت کاهش موانع و تلاش در چارچوب امکانات عمومی دلالت دارند.

۹-۳. چالش سوم: ضعف هماهنگی نهادی

اجرای قانون نیازمند همکاری هم‌زمان وزارت بهداشت، وزارت راه و شهرسازی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان ثبت احوال، سازمان تأمین اجتماعی و سایر دستگاه‌ها است. در عمل، نبود یک نهاد واحد با اختیار کافی برای سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی، موجب شده است که اجرای قانون با ناهماهنگی مواجه شود.

از منظر حقوق عمومی، اصل وحدت مدیریت در امور فرابخشی اقتضا می‌کند که در موضوعات ملی مانند سیاست‌های جمعیتی، یک نهاد هماهنگ‌کننده با اختیارات مشخص وجود داشته باشد تا از پراکندگی تصمیم‌گیری جلوگیری شود.

۹-۴. چالش چهارم: ضعف نظام ارزیابی و نظارت

یکی از مهم‌ترین کاستی‌های نظام حقوقی موجود، نبود شاخص‌های دقیق برای سنجش میزان اجرای قانون است. در بسیاری از کشورها، سیاست‌های جمعیتی بر اساس شاخص‌هایی مانند:

- نرخ باروری کل؛
- میانگین سن ازدواج؛
- میزان دسترسی به خدمات ناباروری؛
- وضعیت اشتغال مادران؛
- میزان بهره‌مندی از تسهیلات حمایتی؛

به‌صورت سالانه ارزیابی می‌شوند.

در ایران نیز لازم است نظام ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی بر مبنای شاخص‌های عینی طراحی شود تا امکان نظارت مستمر بر اجرای قانون فراهم گردد.

۹-۵. تحلیل تطبیقی فقه و حقوق عمومی

بررسی مبانی فقه امامیه و حقوق عمومی نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی، دولت را نسبت به حفظ خانواده و مصالح عمومی مسئول می‌دانند؛ با این تفاوت که مبنای این مسئولیت متفاوت است.

در فقه امامیه، مسئولیت دولت از قواعدی مانند:

- حفظ نظام؛
- مصلحت عمومی؛

- لاضرر؛
- نفی عسر و حرج؛
- ولایت حاکم اسلامی؛

ناشی می‌شود.

در حقوق عمومی، این مسئولیت بر اصولی مانند:

- حاکمیت قانون؛
- کرامت انسانی؛
- عدالت اجتماعی؛
- حقوق اجتماعی شهروندان؛
- اصل پاسخ‌گویی دولت؛

استوار است.

این دو نظام، اگرچه از مبانی متفاوتی آغاز می‌کنند، اما در نتیجه به یک نقطه مشترک می‌رسند و آن، **لزوم حمایت فعال دولت از خانواده و رفع موانع فرزندآوری** است.

با این حال، هر دو نظام نیز محدودیت‌هایی را برای دولت می‌پذیرند؛ از جمله رعایت حقوق اساسی شهروندان، اصل تناسب، عدالت در توزیع منابع و استفاده بهینه از امکانات عمومی. بنابراین، سیاست‌های جمعیتی باید هم در چارچوب موازین شرعی و هم با احترام به حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان اجرا شوند.

۱۰. تبیین الگوی «مسئولیت مثبت دولت» در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت؛ رویکردی مبتنی بر فقه امامیه و

حقوق عمومی

۱-۱۰. مفهوم مسئولیت مثبت دولت

در ادبیات حقوق عمومی، میان **تعهدات منفی** و **تعهدات مثبت** دولت تفاوت اساسی وجود دارد. تعهدات منفی به این معناست که دولت نباید حقوق و آزادی‌های مشروع اشخاص را نقض کند؛ در مقابل، تعهدات مثبت ایجاب می‌کند که دولت با قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، تأمین منابع و ایجاد زیرساخت‌های مناسب، شرایط لازم برای بهره‌مندی شهروندان از حقوق اجتماعی را فراهم آورد (هاشمی، ۱۳۹۸، ج ۲، صص. ۱۵۴-۱۶۱).

در حوزه جوانی جمعیت، صرف خودداری دولت از ایجاد مانع برای ازدواج و فرزندآوری کافی نیست؛ بلکه دولت مکلف است اقدامات ایجابی انجام دهد. این اقدامات شامل تسهیل دسترسی به خدمات درمان ناباروری، حمایت از اشتغال و امنیت شغلی والدین، توسعه خدمات نگهداری از کودکان، سیاست‌های حمایتی در حوزه مسکن و ایجاد محیطی مناسب برای تربیت فرزند است.

۲-۱۰. مبانی فقهی مسئولیت مثبت دولت

فقه امامیه، هرچند اصطلاح «مسئولیت مثبت دولت» را به کار نمی‌برد، اما قواعد متعددی وجود دارد که چنین برداشتی را تأیید می‌کند.

الف) اصل ولایت و اداره مصالح عمومی

بر اساس نظریه ولایت در فقه امامیه، حکومت اسلامی وظیفه دارد مصالح عمومی جامعه را تأمین کند. امام خمینی(ره) در مباحث ولایت فقیه، اداره جامعه و تأمین مصالح عمومی را از وظایف ذاتی حکومت اسلامی می‌داند و تأکید می‌کند که حکومت ابزار تحقق عدالت و اجرای احکام اسلام است (امام خمینی، ولایت فقیه، صص. ۵۲-۵۵).
از این منظر، مقابله با بحران جمعیتی و حمایت از خانواده، بخشی از وظایف حکومتی محسوب می‌شود.

ب) قاعده حفظ نسل (حفظ النسل)

در اندیشه فقهی، یکی از مقاصد مهم شریعت، حفظ نسل انسان است. هرچند نظریه «مقاصد شریعت» بیشتر در آثار فقهای اهل سنت مطرح شده، اما بسیاری از فقهای امامیه نیز در عمل، حفظ نسل را از اهداف مهم احکام شرعی دانسته‌اند. حمایت از تشکیل خانواده، تشویق به ازدواج و فرزندآوری و جلوگیری از عواملی که بقای نسل را تهدید می‌کند، با این هدف همسو است. در نتیجه، سیاست‌های عمومی در حوزه جوانی جمعیت را می‌توان در راستای تحقق این مقصد شرعی تحلیل کرد.

ج) عدالت اجتماعی

عدالت، یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های فقه اسلامی است. در حوزه سیاست‌های جمعیتی، عدالت اقتضا می‌کند که همه خانواده‌ها، صرف‌نظر از محل سکونت، وضعیت اقتصادی یا موقعیت اجتماعی، از فرصت‌های برابر برای بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی برخوردار باشند.

از این رو، تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ یا دسترسی نابرابر به خدمات درمان ناباروری، می‌تواند با اصل عدالت اجتماعی ناسازگار باشد.

۳-۱۰. مسئولیت مثبت دولت در پرتو قانون اساسی

اصول مختلف قانون اساسی، به‌ویژه اصول ۳، ۱۰، ۲۱، ۲۹ و ۴۳، نشان می‌دهد که قانون‌گذار اساسی، دولت را به ایفای نقش فعال در حمایت از خانواده و تحقق رفاه اجتماعی مکلف کرده است.

بر این اساس، مسئولیت دولت در حوزه جوانی جمعیت را می‌توان در چهار سطح تحلیل کرد:

۱. مسئولیت تقنینی

دولت موظف است لوائح لازم برای رفع خلأهای قانونی و اصلاح مقررات ناکارآمد را تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

۲. مسئولیت اجرایی

دولت باید قوانین مصوب را به‌طور کامل، بدون تبعیض و در مهلت مقرر اجرا کند و از ایجاد موانع اداری در مسیر بهره‌مندی شهروندان از حقوق قانونی جلوگیری نماید.

۳. مسئولیت نظارتی

دولت مکلف است عملکرد دستگاه‌های اجرایی را ارزیابی کرده و در صورت عدم اجرای تکالیف قانونی، اقدامات اصلاحی و انضباطی لازم را به عمل آورد.

۴. مسئولیت حمایتی

دولت باید با سیاست‌های مالی، بیمه‌ای، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، شرایطی فراهم کند که تشکیل خانواده و فرزندآوری برای شهروندان با دشواری غیرمتعارف همراه نباشد.

۱۱. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کاهش نرخ باروری و حرکت تدریجی جامعه ایران به سمت سالمندی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های راهبردی کشور در دهه‌های اخیر است. این پدیده صرفاً یک مسئله جمعیت‌شناختی نیست، بلکه آثار گسترده‌ای بر اقتصاد، امنیت ملی، نظام تأمین اجتماعی، بازار کار، توسعه انسانی و حتی اقتدار ملی بر جای می‌گذارد. از این رو، سیاست‌های مرتبط با جوانی جمعیت باید در چارچوب یک سیاست عمومی بلندمدت و مبتنی بر حکمرانی کارآمد مورد تحلیل قرار گیرند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی مسئولیت دولت در تحقق سیاست‌های جوانی جمعیت از منظر فقه امامیه و حقوق عمومی ایران انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مسئولیت دولت در این حوزه، صرفاً ناشی از قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیست، بلکه بر مجموعه‌ای از مبانی فقهی، اصول قانون اساسی و قواعد حقوق عمومی استوار است.

در بخش فقهی، قواعدی همچون **حفظ نظام، لاضرر، نفی عسر و حرج، مصلحت عمومی و ولایت حاکم اسلامی**، پشتوانه شرعی مسئولیت دولت در حمایت از خانواده، تسهیل ازدواج و رفع موانع فرزندآوری را تشکیل می‌دهند. این قواعد نشان می‌دهند که در اندیشه فقه امامیه، حکومت اسلامی تنها مسئول حفظ نظم عمومی نیست، بلکه مکلف است در حدود اختیارات و امکانات خود، شرایط تحقق مصالح عمومی و صیانت از بنیان خانواده را فراهم آورد.

در بخش حقوق عمومی نیز، تحلیل اصول سوم، دهم، بیست و یکم، بیست و نهم و چهل و سوم قانون اساسی نشان داد که قانون‌گذار اساسی، دولت را موظف به حمایت فعال از خانواده، زنان، کودکان و تأمین رفاه اجتماعی کرده است. این اصول، مسئولیت دولت را از یک تعهد صرفاً سلبی فراتر برده و آن را به یک **تعهد مثبت** در حوزه سیاست‌گذاری، اجرا، نظارت و حمایت اجتماعی تبدیل کرده‌اند.

همچنین بررسی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نشان داد که این قانون از حیث مبانی تقنینی، یکی از جامع‌ترین قوانین اجتماعی سال‌های اخیر است؛ زیرا با پیش‌بینی حمایت‌های اقتصادی، درمانی، بیمه‌ای، آموزشی و اداری، تلاش کرده است بخشی از موانع فرزندآوری را برطرف سازد. با وجود این، ارزیابی حقوقی نشان می‌دهد که چالش اصلی در مرحله اجرا قرار دارد. ضعف ضمانت اجرای قانونی، پراکندگی مسئولیت میان دستگاه‌های متعدد، محدودیت منابع مالی، نبود نظام ارزیابی عملکرد و ضعف هماهنگی نهادی، از مهم‌ترین عوامل کاهش اثربخشی این قانون هستند.

از منظر نظری نیز، پژوهش حاضر نشان داد که می‌توان مسئولیت دولت در حوزه جوانی جمعیت را در قالب نظریه **مسئولیت مثبت دولت** تبیین کرد. بر اساس این نظریه، دولت تنها نباید از ایجاد مانع برای تشکیل خانواده و فرزندآوری خودداری کند، بلکه موظف است با اقدامات تقنینی، اجرایی، مالی، فرهنگی و نظارتی، شرایط لازم برای بهره‌مندی شهروندان از حقوق اجتماعی مرتبط با خانواده را فراهم سازد. این برداشت، هم با مبانی فقه امامیه و هم با اصول حقوق عمومی جمهوری اسلامی ایران سازگار است.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت سیاست‌های جوانی جمعیت، نه صرفاً در گرو تصویب قوانین جدید، بلکه وابسته به **حکمرانی مطلوب، اجرای مؤثر قوانین، پاسخ‌گویی دستگاه‌های اجرایی، تخصیص منابع پایدار و ارزیابی مستمر عملکرد نهادهای مسئول** است. تنها در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که اهداف قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به‌صورت واقعی محقق شود.

منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۲۱ق) *تحریر/الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۷۸) *ولایت فقیه حکومت اسلامی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. امام خمینی، سیدروح‌الله. *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). *المکاسب*. قم: انتشارات اسلامی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۸. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. نراقی، احمد. (۱۴۱۷ق). *عوائد الایام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر. *القواعد الفقهیه*. قم: مدرسه امام علی (ع).
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مصوب ۱۴۰۰.
۱۴. سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳.
۱۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲) *گزارش ارزیابی اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت*.
۱۶. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). *سالنامه آماری کشور*.
۱۷. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۸). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلدهای ۱ و ۲)*. تهران: انتشارات میزان.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۵) *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
۱۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). *مقدمه علم حقوق*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱). *حقوق مدنی؛ نظریه عمومی تعهدات*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. قاضی، ابوالفضل. (۱۳۹۰). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. تهران: میزان.
۲۲. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله. (۱۳۹۸). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: میزان.
۲۳. محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۷). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۴. مهرپور، حسین. (۱۳۹۶). *حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: اطلاعات.

مقالات علمی فارسی

۲۶. محمدبیگی، علیرضا و اکبرزاده سراج، الناز. (۱۴۰۴). «چالش‌های قانون جوانی جمعیت از منظر فقه و حقوق کیفری ایران. *فقه جزای تطبیقی*، ۱۹۱-۲۰۵.
۲۷. محقق داماد، مریم‌السادات و اقدسی، فاطمه. (۱۴۰۲). «خلأ جایگاه پدر در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۶۴-۱۸۲.
۲۸. گزارش‌ها و آرای مرتبط با اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

منابع انگلیسی

۲۹. Esping-Andersen, G. (۲۰۰۹). *The Incomplete Revolution: Adapting to Women's New Roles*. Cambridge: Polity Press.
۳۰. McDonald, P. (۲۰۰۶). "Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy." *Population and Development Review*, ۳۲(۳), ۴۸۵-۵۱۰.
۳۱. Gauthier, A. H. (۲۰۰۷). "The Impact of Family Policies on Fertility in Industrialized Countries." *Population Research and Policy Review*, ۲۶(۳), ۳۲۳-۳۴۶.
۳۲. OECD. (۲۰۱۹). *Society at a Glance 2019: OECD Social Indicators*. Paris: OECD Publishing.
۳۳. United Nations. (۲۰۲۲). *World Population Prospects 2022*. New York: United Nations.
۳۴. World Health Organization. (۲۰۲۳). *Global Health Observatory*. Geneva: WHO.
۳۵. Rawls, J. (۱۹۹۹). *A Theory of Justice*. Revised Edition. Harvard University Press.
۳۶. Raz, J. (۱۹۸۶). *The Morality of Freedom*. Oxford University Press.
۳۷. Dworkin, R. (۱۹۷۷). *Taking Rights Seriously*. Harvard University Press.
۳۸. Sunstein, C. R. (۲۰۰۴). *The Second Bill of Rights*. Basic Books.
۳۹. Alexy, R. (۲۰۰۲). *A Theory of Constitutional Rights*. Oxford University Press.
۴۰. Habermas, J. (۱۹۹۶). *Between Facts and Norms*. MIT Press.

State Responsibility in Realizing Population Youthfulness Policies: A Study of the Foundations of Imamiyyah Jurisprudence and Iranian Public Law

Abstract

The decline in fertility rates and the gradual transition of Iran's population structure toward an aging society constitute one of the most significant strategic challenges facing the Islamic Republic of Iran in recent decades. This demographic transformation, in addition to its economic consequences, has far-reaching implications for national security, the social welfare system, the labor market, and sustainable development. In response to this situation, the General Population Policies issued by the Supreme Leader in ۲۰۱۴, followed by the enactment of the Law on the Protection of the Family and the Promotion of Population Youthfulness by the Islamic Consultative Assembly in ۲۰۲۱. Nevertheless, achieving the objectives of this law requires the government to undertake extensive responsibilities in economic, social, cultural, and legal dimensions.

This study employs a descriptive-analytical methodology and relies on library-based sources to examine the government's responsibility in implementing population youthfulness policies from the perspectives of Imamiyyah (Shi'a) jurisprudence and Iranian public law. The findings indicate that governmental responsibility is not merely derived from ordinary legislation; rather, it is grounded in well-established jurisprudential principles such as the rule of no harm (*La Darar*), the principle of the negation of hardship (*Nafy al-'Usr wa al-Haraj*), the principle of preserving the social order (*Hifz al-Nizam*), the principle of public interest (*Maslahah*), and the doctrine of the guardianship of the Islamic ruler (*Wilayat al-Hakim al-Islami*). Furthermore, Articles ۳, ۱۰, ۲۰, ۲۱, ۲۹, and ۴۳ of the Constitution of the Islamic Republic of Iran impose obligations upon the government to support the family institution, remove economic barriers to marriage and childbearing, and ensure public welfare.

The study concludes that the primary challenge lies not in the lack of legal provisions, but rather in the ineffective implementation of existing laws, the absence of efficient enforcement mechanisms, and insufficient coordination among executive institutions. Therefore, the successful realization of population youthfulness policies requires strengthening executive guarantees, enhancing inter-agency cooperation, and adopting comprehensive supportive measures for families and childbearing.

Keywords: Population Youthfulness, State Responsibility, Imamiyyah Jurisprudence, Public Law, Family, Law on the Protection of the Family and the Promotion of Population Youthfulness.